

نشریه ادب و زبان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان
دوره جدید، شماره ۲۸ (پیاپی ۲۵) زمستان ۸۹

بررسی زیبایی شناسی تشبیه در نهج البلاغه (حکمتها و نامه ها) (علمی - پژوهشی)

دکتر غلامرضا کریمی فرد
دانشیار دانشگاه شهید چمران اهواز
رضا نیکدل
کارشناس ارشد دانشگاه شهید چمران اهواز

چکیده

ادبیات علی (ع) مدرسه زیبایی شناسی و هنر بیان است. تشبیه یکی از پرکاربردترین مباحث زیبایی شناسی در راستای سهولت درک معنی شناخته می شود و از این طریق است که توان تصویر پردازی، توسعه فراوان می یابد از عناصر برجسته در کلام آن حضرت است. از ویژگیها و امتیازات منحصر به فرد کلام امام (ع) این است که چند بعدی و از بند زمان و مکان خارج است؛ از این روست که همیشه زنده و مانا و پویاست و هر نسلی در هر دوره ای می تواند از آن بهره ببرد.

در این مقاله با بررسی عنصر تشبیه در حکمتها و نامه های نهج البلاغه بر توانایی آن حضرت در چگونگی انتقال مفاهیم و تبیین اغراض سخن و تأثیر گذاری کلام آن بزرگوار با به کارگیری عنصر تشبیه تأملی شایسته و در خور خواهد شد. کلیدواژه: زیبایی شناسی، بلاغت، تشبیه در نهج البلاغه، ادبیات عربی.

مقدمه

کتاب شریف و نفیس «نهج البلاغه» که آن را «تالی القرآن» و «أخو القرآن» می خوانند از لحاظ علمی و تاریخی و ادبی، واقعاً بی نظیر است. این کتاب ارجمند به اقیانوس بیکرانی می ماند که گوهر در سینه و موج بر سیما دارد. هر غواص ماهری در هیجان تلاش است تا راهی به ژرفای آن بیابد و مشتی از آنچه در سینه اوست برگیرد. ویژگی سخن علی (ع)

بویژه در نامه ها و حکمتها در ایجاز آن است. بیشتر آنها از ده سطر تجاوز نمی کند، اما مفاهیم آنها بسیار گسترده و برآمده از ذهنیت مرد علم و سیاست و عمل است که روح او در سراسر کلام او، و انگیزه آنها تشویق، نصیحت و استدلال است. سخنش از سر طبع و سرشار از زیباییهایی است بر سیاق ایجاز و پر مایه استحکام؛ در آن از زیاده گویی و پریشانی و بی مایگی خبری نیست و حکمتها نیز پند های موجزی است برخوردار از اندیشه های قوی که زاینده تفکر یا تجربه امام علی (ع) است و با شیوایی تمام بالبداهه بیان می شود و براحتی در ذهنها می نشیند از آن روی که ساختمان محکم و متین دارد. مطالعه تشبیهات در نامه ها و حکمتها ی نهج البلاغه، رسایی و توانایی آن در انتقال مفاهیم و میزان تأثیر گذاری کلام نهج البلاغه را بروشنی به ما نشان می دهد. این بررسی می تواند در موارد زیر صورت گیرد:

چگونگی ایراد سخن

امام علی (ع) خوددار و متین و به گفتار، درست بود و به خویشتن اطمینان داشت؛ دارای هوشی سرشار و درکی چنان سریع بود که بر افکار مردم و خواسته های جمعیت تسلط می یافت. روح او چنان از آزادی و انسانیت و فضیلت پر بود که وقتی زبان به بیان آنچه در دل داشت می گشود، مردم بخوبی حس می کردند که علی (ع) فضائل در خواب رفته و احساسات خاموش آنها را تحریک می کند (انصاری، ص ۵۹).

نمونه: ح ۶. صَدْرُ الْعَاقِلِ صُنْدُوقُ سِرِّهِ وَ الْبِشَاشَةُ حِبَالَةُ الْمَوَدَّةِ وَ الْاِحْتِمَالُ اَقْبَرُ الْعُيُوبِ [أَوْ] وَ الْمَسْأَلَةُ حِبَاءُ الْعُيُوبِ.

«سینه خردمند صندوق راز اوست و گشاده رویی دام دوستی و بردباری گور زشتیهاست [یا که فرمود: آشتی کردن نهانجای زشتیهاست. ۳]»

نوع تشبیه: در جمله ۱: مفرد مقید به مفرد مقید - مجمل - بلیغ غیر اضافی - غیر حسّی به حسّی در جمله های ۲ و ۳ و ۴: مفرد به مفرد مقید - مجمل - بلیغ غیر اضافی - عقلی به حسّی - (تشبیه مفروق)

امام (ع) در راستای بیان ارزشهای اخلاقی در اینجا با اشاره به عقل و خرد در تعبیری زیبا سینه عاقل را به صندوق اسرار او تشبیه می کند:

پرده دَرَد هر چه در این عالم است / راز ترا هم دل تو محرم است (نظامی مصلح ۱۶۳)

در واقع همان طور که صندوق، اشیا را در درون خود پنهان می‌سازد، سینه انسان عاقل اسرار صاحبش را در درون خود پنهان می‌سازد ضمن اینکه "صدر" حامل معنای مجازی است به علاقه محلیت؛ چون سینه، حسب پنداشت، جای دل است.

از گشاده رویی به دامدوستی تعبیر گردیده از این رو که گشاده رویی برای محکم شدن دوستیها و حفظ آن مؤثر است. با داشتن رویی خوش با دوستان، گویی که آنها را به دام خود گرفته‌اید؛ چرا که هرگز از شما دور نمی‌شوند. اما از بردباری به گور زشتیها تعبیر شده است. از آن رو که صبر و بردباری مانع اقدام به عمل زشت می‌شود و میزان خطاهای انسان را کاهش می‌دهد. از آشتی کردن به نهانجای زشتیها تعبیر شده است؛ چرا که سازش و آشتی با دیگران زشتیها را می‌پوشاند. تصویر سازی امام (ع) در این چهار تشبیه بخوبی ذهن مخاطب را در اهمیت جایگاه هر یک معطوف می‌دارد.

شیوه بیان

شیوه او در بیان به گونه ای است که اگر زبان به ملامت بگشاید، گویی تندباد است وزیده بر پیکر ملوم و اگر فساد و فسادگران را تهدید کند، گویی آتشفشانی است برآمده از کوه و اگر به اندیشه فراخواند، ریشه اندیشه و درک را در مخاطب به وجود می‌آورد و او را به آنجا که اراده دارد می‌کشاند و برآستی به جهان هستی می‌پیوندد.

نمونه: ن ۲۸. فَكُنْتَ فِي ذَلِكَ كَنَاقِلِ التَّمْرِ إِلَى هَجْرٍ ۴. أَوْ دَاعِي مُسَدِّدٍ ۵ إِلَى التُّضَالِ ۶.

«در این کار چونان کسی هستی که خرما به هجر رساند یا آنکه آموزگار خود را به مسابقت خواند.»

نوع تشبیه: مفرد مقید به مرکب - مرسل - حسنی به حسنی - (تشبیه تمثیل است).

جواب نامه معاویه و یکی از بهترین نامه های امام (ع) است که پس از جنگ جمل در سال ۳۶ هجری نوشته شد. امام (ع) در طی افشای ادعاهای دروغین معاویه، عباراتی چنان شگرف و کم نظیر را به طوری پیوسته بیان می‌سازد که هوش را از سر معاویه می‌برد و او را از خواب جهالت خود بیرون می‌آورد و به او می‌فهماند که ادعای اسلام داشتن و دعوی شناخت پیامبر نمودن در برابر کسی که خود قرآن ناطق و نزدیکترین شخص به پیامبر (ص) است، ادعایی بی معنی است. این مضمون در شعر فارسی هم وارد شده است چنانکه دقیقی می‌گوید:

کرا رود کی گفته باشد مدیح
 امام فنون سخن بود ور
 دقیقی مدیح آورد نزد او
 چو خرما بود برده سوی هجر
 (دهخدا، ص ۷۳۵)

و سنایی هم گفته است :

شعر ما پیشت چنان باشد که از شهر حجاز
 با یکی خرما کسی هجرت کند سوی هجر
 (همان)

البته در بخش دوم کلام امام (ع) نیز تشبیه مرکبی است - اما نه بر سیل تمثیل - و مقصود از آن بیان کوچکی و ناچیزی معاویه در برابر شأن و بزرگی ایشان است و به تعبیر ما در فارسی یعنی : تو کوچکتر از آنی که به من چیزی بیاموزی .

ن ۲۹. ... لَا وَقَعَنَّ بِكُمْ وَقَعَةً لَا يَكُونُ يَوْمَ الْجَمَلِ إِلَيْهَا إِلَّا كَلَعَقَةٍ^۷ لَأَعِقَّ.

«... چنان جنگی آغاز کنم که جنگِ جمل برابر آن بازی کودکانه بُود.»

نوع تشبیه: مفرد مقید به مفرد مقید - مجمل - بلیغ غیر اضافی - حسی به حسی

نامه به مردم بصره در سال ۳۸ هجری، آن گاه که معاویه قصد توطئه در بصره را داشت. امام (ع) ضمن هشدار به مردم بصره و آگاه کردن آنها از توطئه دشمنان از آنان می خواهد که اندیشه های نابخردانه را در دشمنی با او کنار بگذارند. در غیر این صورت برخورد قهری امام (ع) را شاهد خواهند بود. امام (ع) این برخورد را به گونه ای بیان می کند که بروشنی، قاطعیت خود را نسبت به نافرمانی آنان نشان دهد؛ یعنی با اشاره به تصویری از جنگِ جمل و تشبیه آن به بازی کودکانه، تصویری بزرگتر و شگفت تر از آن را برای مخاطبان خود تداعی می سازد.

ن ۳۵. نَحْتَسِبُهُ^۸ وَ لَدَا نَاصِحًا عَامِلًا كَادِحًا وَ سَيْفًا قَاطِعًا وَ رُكْنًا دَافِعًا.

«فرزندی خیرخواه و کارگزاری کوشا و تیغی برنده و رکنی بازدارنده بود.»

نوع تشبیه: مفرد به مفرد مقید - مجمل - بلیغ غیر اضافی - حسی به حسی - (تشبیه جمع)

نامه به عبدالله بن عباس، پس از شهادت محمد بن ابی بکر در مصر، که در سال ۳۸ هجری نوشته شد و امام (ع) علل سقوط مصر را بیان می کند؛ اما در ابتدای نامه با عباراتی موزون و هماهنگ و در تشبیهاتی شیوا، عاطفی و دقیق از فرماندار شهیدش یاد می کند و او را می ستاید.

اگر به شیوه بیان امام در این بخش بدقت توجه شود، در می‌یابیم که مشبّه به‌ها به ترتیب بار عاطفی و منطقی آنها برگزیده و چنان پیوسته و پشت سر هم قرار داده شده است که همه ذهن شنونده را تسخیر می‌کند؛ یعنی ابتدا او را همچون فرزندی نصیحتگر می‌داند به دلیل خیرخواهی و احساس قربانی که با او دارد و سپس به خدمتگزاری زحمتکش مانند می‌سازد به سبب کوشایی او در امور و سپس او را به شمشیر برنده تشبیه می‌کند از آن رو که عمل او قاطعانه و بی‌تزلزل است. سرانجام تعبیر تکیه گاه را برای او به کار می‌برد؛ زیرا او همواره بازدارنده دشمنان امام (ع) بوده است.

نمونه: ح ۲۸۷. [و سئِلَ عَنِ الْقَدْرِ فَقَالَ:] طَرِيقٌ مُّظْلِمٌ فَلَا تَسْلُكُوهُ، وَ بَحْرٌ عَمِيقٌ فَلَا تَلْجُوهُ وَ سِرٌّ اَللّٰهُ فَلَا تَتَكَلَّفُوهُ.

« [و او را از قدر پرسیدند، فرمود:] راهی است تیره، آن را میماید و دریایی است ژرف، بدان درمیاید و راز خداست، برای گشودنش خود را مفرساید.»
 نوع تشبیه: مفرد به مفرد مقید - مجمل - بلیغ غیر اضافی - عقلی به حسی و در
 سومی عقلی به حسی - (تشبیه جمع)

با نگاهی دقیق به مسئله جبر و اختیار در می‌یابیم این دو در واقع دو تفسیر متفاوت از رفتار آدمی است نه مبین دو نیرو در عالم. حال آیا قضا و قدر الهی، نیروهایی مستقل در این عالم است؟ یعنی خداوند علاوه بر موجوداتی که خلق کرده مخلوقی به نام تقدیر الهی آفریده است؟ نه، این طور نیست و چنین تصویری خطاست. «تقدیر الهی بیان کیفیت عملکرد همین نظامی است که خداوند آفریده است» (سروش، ص ۵۶) و تحت اراده قدرت لایتناهی اوست. امام (ع) نیز در سه تصویر دقیق به روشن کردن ماهیت این کیفیت می‌پردازد. راهی تاریک که به علت ناپیدایی پیمودنش آسان نیست؛ دریایی ژرف که ژرفای آن در درک نمی‌گنجد؛ راز خداوند که گشودنش در توان هیچ کس نیست.

سخنان فی البداهه

سخنان فی البداهه امام (ع) از نظر درستی، عمق اندیشه و هنری بودن تعبیر از نیرومندترین و استوارترین سخنانی است که کسی می تواند فی البداهه بر زبان جاری سازد تا آنجا که کلامش به عنوان مثل متداول تلقی می شد:

نمونه: ح ۳۲۰. ... فَإِنَّ الْجَاهِلَ الْمُتَعَلِّمَ شَبِيهُ بِالْعَالِمِ، وَإِنَّ الْعَالِمَ الْمُتَعَسِّفَ شَبِيهُ بِالْجَاهِلِ الْمُتَعَتِّتِ.

«... نادان آموزش پذیر، همانند داناست و دانای غیر منصف، همانند نادان پر چون و چرا است.»

نوع تشبیه: مفرد مقید به مفرد - مرسل - مجمل - حسی به حسی (از آن نظر حسی است که حالت نادان فراگیرنده، همچون حالت انسان داناست.)

مردی از امام (ع) مسئله ای دشوار پرسید و امام فرمود: مسئله را برای دانستن پیرس نه برای جلال و فضل فروشی و در ادامه فرمود نادان آموزش پذیر، همانند داناست از این جهت که در تلاش برای آموختن علم است و دانای بی انصاف همچون نادان بهانه جو است از این رو که در طلب برتری جویی و غلبه یافتن است. امام (ع) ضمن تأکید بر اهمیت علم و آگاهی به مخاطب می آموزد که پرسیدن نیز آدابی دارد که چگونگی ادای آن نشان از شخصیت پرسشگر دارد. پس روش صحیح پرسیدن، خود نشان از عقل و خرد سؤال کننده دارد.

علی (ع) اندیشه ای فراتر از زمان

چون روح علی (ع) به دنیای خاصی محدود نیست در همه دوران حضور دارد؛ سخنش نیز به دنیای خاصی محدود نیست. از امتیازات سخن علی (ع) این است که چند بُعدی است؛ کلام او به ابدیت تعلق دارد و بعد زمان را در ابدیت اثری نیست از این رو قرنهاست که سخنان او حلاوت و طراوت خود را حفظ کرده و همیشه دانشمندان را شیفته خود ساخته است (الهامی، ص ۳۲ و ۳۳).

نمونه: ح ۴. الْعَجْزُ آفَةٌ، وَالزُّهْدُ ثَرَوَةٌ، وَالْوَرَعُ جَنَّةٌ.

«ناتوانی آفت است و ناخواستن (دنیا) ثروت و پرهیزگاری سپری نگهدار.»

نوع تشبیه: ۲۱: مفرد به مفرد - بلیغ غیراضافی - مجمل - عقلی به حسی - (تشبیه مفروق)

۳: مفرد به مفرد- بلیغ غیر اضافی- مجمل- عقلی به حسّی

امام علی(ع) در این حکمت برای توجّه دادن ذهن مخاطب به ارزشها و ضدّ ارزشها به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌کند؛ همچون ناتوانی، پرهیزگاری و پارسایی که در قالب عباراتی کوتاه ولی پُر مفهوم هر یک را به چیزی تشبیه می‌کند. شناخت کامل آن حضرت از مشبّه‌ها باعث شده است که با انتخاب مشبّه به مناسب با ذهن مخاطب خویش براحتی ارتباط برقرار کند؛ زیرا مخاطب با شنیدن آنها بسرعت و براحتی در فضای تصویری در خیال خویش، آن را مشاهده می‌کند و سپس به تصدیق آن می‌پردازد.

نمونه: ح ۵. الْعِلْمُ وَرِثَةٌ كَرِيمَةٌ، وَالْآدَابُ حُلٌّ مُجَدَّدَةٌ، وَالْفِكْرُ مِرَاةٌ صَافِيَةٌ.

«دانش میراثی است گزین و آداب، زیورهای نوین - جان و تن - و اندیشه، آینه روشن.»

نوع تشبیه: مفرد به مفرد مقید- مجمل- بلیغ غیر اضافی- عقلی به حسّی- (تشبیه مفروق)

در اینجا از علم، تعبیر به «میراث» شده است به این مناسبت که فرزند، مال و ثروت را از پدرش به ارث می‌برد؛ عالم نیز علم و دانش را از استادش به ارث می‌برد. از آنجا که در میراث دانش ویژگیهایی است که در میراث مال نیست، میراث علم به کرامت و ارزشمند بودن توصیف شده است: «وراثه کريمة». منشأ این ویژگی، بقای علم و فنای مال و ثروت است.

از آداب و اخلاق پسندیده به زیورهای متجدّد و دایمی تعبیر شده به این دلیل که فضائل برای نفس، زینت و زیوراست. باید توجّه داشت که توصیف این مرزهای باطنی به تجلّد و دوام به این دلیل است که به علّت رسوخ در نفس، دایمی و با انسان همراه است و اما از فکر به «مرآة صافیة» تعبیر شده یعنی آینه درخشانده و شفاف؛ زیرا همان‌طور که آینه شفاف، شکلهای صورتهای مقابل خود را بخوبی منعکس می‌کند، فکر انسان نیز از مجهولات تصویری و تصدیقی او پرده برمی‌دارد و آنها را معلوم می‌کند و به تعبیر برخی از شارحان نهج البلاغه: «فکر به منزله أبطرلابی^۹ است روحانی» (ابن ابی الحدید، ج ۱۸، ص ۹۳).

با توجه به این سه تصویرسازی امام علی (ع)، می توان به قدرت ایجاز پردازی آن حضرت در بیان مفاهیم بخوبی پی برد.

مطابقت کلام با مقتضیات آن

به حقیقت باید گفت دقایق و لوازم حسن سخنوری - که توافق سخن با اوضاع و احوال است - در سخن هیچ ادیبی به مانند علی (ع) جمع نشده است؛ زیرا سخنان وی پس از قرآن بزرگترین نمونه بلاغت است. سخنانی است کوتاه و آشکار اما نیرومند و جوشان... که در اثر هماهنگی الفاظ و معانی، مقصود سخن به صورتی کاملاً رسا بیان شده است؛ انعکاس آن در گوش آدمی شیرین و اثرش با تحریک احساسات همراه است بویژه هنگامی که به منظور حمایت از بینویان و ستمدیدگان درباره منافقان و حيله گران و دنیاپرستان سخن به میان می آید.

نمونه: ن ۳۱. وَمَثَلٌ مِّنْ أَغْتَرَّ بِهَا كَمَثَلِ قَوْمٍ كَانُوا بِمَنْزِلٍ حَصِيبٍ فَنَبَأَ بِهِمْ إِلَى مَنْزِلٍ جَدِيدٍ. «و داستان آنان که به دنیا فریفته گردیدند، چون گروهی است که در منزل پُر نعمت

بودند و از آنجا رفتند و در منزلی خشک و بی آب و گیاه رخت گشودند.»

نوع تشبیه: مفرد مقید به مرکب - مرسل - حسی به حسی - (تشبیه تمثیل است.)

امام (ع) در ادامه بیانات خویش، تنها به تصویر آزموده های دنیا اکتفا نمی کند بلکه دنیا پرستان را نیز در نمایی دیگر به همان اسلوب پیشین و به گونه ای گویا به تصویر می کشد تا در ذهن مخاطب خود تصاویری روشن و هماهنگ از هر دو گروه ایجاد کند. حالت آنانی را که فریفته دنیا شده اند به حالت آنانی مانند می سازد که منزلی پر نعمت را رها، و به سوی منزلی خشک و بی آب و علف کوچ می کنند.

به کار بردن تشبیه تمثیل برای تبیین موضوع، نشان از اهتمام و اصرار در تفهیم آن دارد؛ زیرا از این طریق، ذهن مخاطب را در درک معنا و فهم مقصود بیشتر یاری می کند.

نمونه: ن ۷۳. وَ إِنَّكَ إِذْ تُحَاوِلُنِي الْأُمُورَ وَ تُرَاجِعُنِي السُّطُورَ كَأَلْسُنِ الْتَائِمِ تَكْذِبُهُ أَحْلَامُهُ. وَ الْمُتَحَيِّرِ الْقَائِمِ يَبْهَظُهُ مَقَامُهُ.

«و تو که از من چیزهایی را خواستاری و نامه می نویسی - و پاسخ انتظار داری - کسی را مانی که به خواب گران فرو رود و خوابهای بی اساس بیند یا چون سرگردانی ایستاده که ایستادش بر وی دشوار افتاده.»

نوع تشبیه: مفرد مقید به مفرد مقید - مرسل - مفصل - حسی به حسی - (تشبیه جمع)

نامه به معاویه است که در آن امام (ع) به افشای سیمای دروغین او می پردازد و درخواستها و نامه هایش را بی ارزش می انگارد و او را در فضای محسوس به کسی مانند می سازد که در خواب سنگین فرو رفته یا آدمی سرگردان که ایستادن طولانی برای او دشوار شده و از آینده و سود و زیان کار خود بی خبر است. امام (ع) بیهودگی درخواستها و سرگردانی معاویه را در این دو تصویر ترسیم می کند که ساخت تشبیه تمثیل در تصویر دوم قابل مشاهده است. حالت معاویه در این تشبیه تمثیل به حالت کسی مانند شده است که متحیر و سرگردان در ایستادن خود اصرار می ورزد و از عاقبت کار خود غافل است.

ح ۱۱۹. مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ الْحَيَّةِ لَيِّنٌ مَسْهُا وَالسُّمُّ التَّاقِعُ فِي جَوْفِهَا، يَهْوِي إِلَيْهَا الْغَرُّ الْجَاهِلُ، وَيَحْذَرُهَا ذُو اللَّبِّ الْعَاقِلُ.

«دنیا همچون مار است؛ سودن آن نرم و هموار و درون آن زهر مرگبار. فریفته نادان، دوستی آن پذیرد و خردمند را تا از آن دوری گیرد.»

نوع تشبیه: مفرد به مرکب - مرسل - عقلی به حسی. (تشبیه تمثیل)

حالت دنیا را که دارای مظاهر و جلوه های خوش نما و چشم نواز است اما چون به آن دل ببندی نهایتاً به گزند و پشیمانی می انجامد، تشبیه کرده است به ماری که جلوه ای زیبا و خوش رنگ و نگار دارد اما چون به آن نزدیک و فریفته آن شوی تو را از پای در می آورد. این تمثیل زیبا را امام (ع) به منظور ضرورت شناخت دنیا می آورد و انسان را به فکر فرو می برد. این تعبیر تمثیلی از قول امام علیه السلام در شعر فردوسی منعکس شده است آنجا که می گوید:

اگر بخردی بر جهان دل میند
که ناید به فرجام از او جز گزند
به گاه بسودن چو مار است نرم
ولیکن گه زهر دانش گرم
(دهخدا، ص ۱۹۳)

استحکام بیان و قدرت خیال

علاوه بر امتیازات تیزبینی و درست اندیشی علی (ع)، که در نهج البلاغه به کار رفته، گوناگونی مباحث و سخنان اوست که در هر کدام نهایت استحکام بیان را رعایت کرده و کم و کاست در بحث روا نداشته است.

"علی نگرش نادر و دریافت گسترده وجوشانش از دیگران امتیاز یافته و چون دوران گذرای زندگانش به حوادثی بر خورده که مکر فریبکاران و کینه ستیزه جویان را بر انگیزخته یا وفای پاکمردان و فداکاری مخلصان را جذب کرده است در این رهگذر از تخیل نو پردازش نیرو گرفته و تجربه های خود را به خدمت گرفته و تابلو های زیبا و زنده ای از رسم و خط واقعیتها به نقش کشیده است و بر ریشه همان واقعیتهاست که علی شاخه هایی پر برگ و بار از شناخت بیداری و سازندگی به بار آورده است" (انصاری، ص ۱۴۷).

نمونه: ن ۳۱. **إِنَّمَا مَثَلٌ مِّنْ خَيْرِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ قَوْمٍ سَفَرُوا بِمَا بِهِمْ مَثَرٌ جَدِيبٌ فَأَمُّوا مَثَرًا خَصِيْبًا.**

«داستان آنان که دنیا را آزمودند و شناختند همچون گروهی مسافرنده که به جایی منزل کنند ناسزاوار از آب و آبادانی به کنار و آهنگ جایی کنند پر نعمت و دلخواه.»
 نوع تشبیه: مفرد مقید به مرکب - مرسل - حسی به حسی - (تشبیه تمثیل است؛ تشبیه حالتی به حالت دیگر)

ضرورت آخرت گرایی، بحثی است که امام فرزندش امام حسن (ع) را به آن یاد آور می شود. برای آسانتر کردن مفهوم، فضایی را ترسیم می سازد که برایش محسوس است. در این فضا کسانی را توصیف می کند که دنیا را با تجربه و آزمودن حوادث آن، فهمیده و شناخته اند. آنان مانند مسافرانی هستند که در جای قحط و به دور از آبادانی و آب و گیاه، اقامت دارند و قصد کوچ کردن به جای سرسبز و نیکو را دارند. در این فضای تصویری اسلوب تشبیه به سبک تمثیل است؛ زیرا در این مقام، تمثیل از غیر تمثیل رساتر است به این دلیل که وجه شبه آن دارای تفصیلی است که در اقناع شونده مؤثر است.

نمونه: ح ۲۱۹. **أَكْثَرُ مَصَارِعِ الْعُقُولِ تَحْتَ بُرُوقِ الْمَطَامِعِ.**

«قربانگاه خردها را بیشتر - آنجا توان یافت - که برق طمعها بر آن تافت.»
 نوع تشبیه: مفرد مقید به مفرد مقید - مجمل - بلیغ اضافی (اضافه مشبّه به، به مشبّه) - عقلی به حسی

طمع همواره باعث سقوط انسانها شده است؛ چرا که زیاده خواهی انسان را به مخاطره می افکند. امام (ع) در این حکمت، زیاده خواهیهای انسان را به برق تعبیر کرده است به این دلیل که چشم و دل آدمی را به خود خیره می کند و او را از راه اصلی منحرف می سازد. در دل این عبارت تشبیهی دیگر نیز هست که جالب توجه است و آن تشبیه طمع به لغزش گاه عقل است؛ یعنی طمع ورزیدن و زیاده خواهی مایه سقوط اندیشه و آفت خرد است.

هنر خیال

اصالت اندیشه و بیان بخوبی در سخنان امام (ع) ملاحظه می شود. این همان اصالتی است که همیشه با ادیب راستین همراه است و تا هنگامی که شخصیت ادبی او باقی است این اصالت از وی جدا نخواهد شد.

در مواردی که عاطفه گرم علی (ع) تحریک، و قدرت خیالش شعله ور می شود و شکل‌های گرمی از تازه های حیات- که با آنها در تماس بود- در خیالش نقش می بندد، روش سخنوری علی (ع) به اوج زیبایی می رسد. قلب او سرشار از بلاغت می شود و بسان رودی روان بر زبانش جاری می گردید.

نمونه: ح ۴۴۳. ما لكُ و ما مالک! والله لو كان جبلاً لكان فئداً و لو كان حَجراً لكان صدأً، لا يرتقيهِ الحافرُ و لا يوفى عليه الطائرُ. [و الفئدُ المنفردُ من الجبالِ]

«[و] مالک چه بود! به خدا اگر کوه بود کوهی بود جدا از دیگر کوه ها و اگر سنگ بود سنگی بود خارا که سُم هیچ ستور به ستیغ آن نرسد و هیچ پرنده بر فراز آن نپرد. [و «فند» کوهی است از دیگر کوه ها ممتاز، یگانه و جدا افتاده.]»

نوع تشبیه: مفرد به مفرد - بلیغ غیر اضافی - مجمل - حسّی به حسّی - ضمن اینکه به نوعی تشبیه مشروط هم هست.

نزدیکی مالک اشتر به امام (ع) نه تنها به عنوان فرمانده جنگی، بلکه به عنوان دوست وفادار و کسی که دست پرورده جهان بینی امام است به اندازه ای است که هرگاه امام نامه یا سخنی را برای او نوشته، بسیار با احساس و ظریف به توصیف خصائل او پرداخته است و او را سمبل وصفهایی می داند که برایش می آورد. در این گفتار نیز امام او را چون کوهی می داند بی نظیر و ممتاز در استواری و بی ماندی؛

می فرماید اگر سنگ بود، همچون سنگ خارا بود که سُم هیچ ستوری به نوک آن نرسد و هیچ پرنده ای بر فراز آن نپرد به دلیل بلندی و عظمت و سرسختی و استحکام آن .

اینها عباراتی است زیبا و دقیق که امام پس از شنیدن خبر مرگ مالک اشتر، بیان فرمودند. نکته قابل توجه در اینجاست که امام در کلام خود با ظرافت خاص، برتری و تفوق مالک را نسبت به آنچه مشبه به ها قرار دارند، بیان می کنند . این معنی در این تعبیر که می فرماید: لو کان جبلاً ... و لو کان حجراً ... بخوبی احساس می شود .

ذوق هنری

بهره علی (ع) از ذوق هنری یا حسّ زیبایی شناختی به مرتبه ای متعالی و فوق العاده است . علی (ع) در ادبیات خود از این ذوق به عنوان مقیاس طبیعی دقیق استفاده می کند. سرشت ادبی او نمونه ای برجسته از سرشت صاحبان موهبت و اصالت است که با نگاهی کوتاه به طور عمیق درک می کنند؛ سپس زبانشان به آنچه در دلشان می جوشد و به آن پی برده اند، جاری می شود . از این رو ادبیات علی (ع) بر اثر صداقت و راستی، امتیاز ویژه ای یافته است که در غیر او نیست . لازم به توضیح است که صداقت یکی از مقایس سنجش هنر برتر و میزان اسلوب به شمار می آید .

نمونه: ن ۴۵. وَالْذُّنْبَا عِنْدَهُ كَيَوْمِ حَانَ أَنْسِلَاخُهُ.

«و دنیا در دیده او (کسی که به دنیا اعتنایی ندارد) چون روزی است که به پایان خود رسیده است .»

نوع تشبیه: مفرد به مفرد مقید - مجمل - مرسل - عقلی به حسّی

امام (ع) در ادامه در خصوص دنیاپرستان ، خطاب به دنیا آن را فرا می خواند و از مردانی یاد می کند که بازیچه خود کرده و فریشتان داده است و سپس دنیا را در چشم آنانی که از آن به سلامت گذشته اند و اعتنایی به آن نکرده اند، چون روزی می داند که پایان آن فرا رسیده است.

به کار بردن «انسلاخ» از باب استعاره است که امام (ع) در ابتدا ذهن را به آن سو می کشاند تو گویی که گذر روز به جدا شدن پوست از گوشت می ماند و سپس گذر دنیا نیز به گذر روز تشبیه شده که مراد امام (ع)، فانی بودن و ناپایدار بودن دنیا است.

نمونه: ح ۳۸ - وَإِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْكَذَّابِ فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يُقَرَّبُ عَلَيْكَ الْبَعِيدَ وَ يُبْعَدُ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ.

«و از دوستی با دروغگو پرهیز که او سراب را مانند؛ دور را به تو نزدیک و نزدیک را به تو دور نمایاند.»

نوع تشبیه: مفرد به مفرد مقید - مرسل - مفصل - حسّی به حسّی

دروغ از گناهان کبیره و کلید گناهان و سرچشمه تمام بدیها و زشتیها است. فرو رفتن در شخصیتی کاذب و وارونه، سست کردن اعتماد عمومی است. در نتیجه بازتابهای منفی و پیامد شوم آن در زندگی فرد و اجتماع نمایان خواهد شد. حرکت از مسیر خلاف فطرت پاک و خارج از فلسفه آفرینش از آثار زیانبار دروغ است و آنان که گرفتار چنین دامگه هولناکی شده اند، خود را از هدایت الهی محروم کرده اند. امام علی (ع) نیز در عبارتی زیبا ضمن ذم این عمل و توصیه به اعراض از آن با استفاده از تصویر سازی حسّی به توصیف فرد دروغگو می پردازد و عمل او را همچون سراب می داند به این دلیل که امور را وارونه و در صورتی غیر حقیقی نشان می دهد.

ژرف نگری و ذکاوت

تیزبینی و ذکاوت سرشار امام در همه عبارات نهج البلاغه تأثیری عمیق برجای گذاشته است؛ هوشیاری و ذکاوتی که هیچ گونه تعمقی را وانهاده و کم و بیشی در سخنش راه نیافته است.

نمونه: ن ۴۵. فَمَا خُلِقْتُ لِيشَعَلَنِي أَكْلُ الطَّيِّبَاتِ كَالْبَهِيمَةِ الْمَرْبُوطَةِ هَمُّهَا عَلْفُهَا أَوْ الْمُرْسَلَةَ شُعْلُهَا تَقْمُمُهَا.

«مرا نیافریده اند تا خوردنیهای گوارا سرگرمم سازد چون چارپای بسته که به علف پردازد یا آن که واگذارده است و خاکروبه ها را به هم زند.»

نوع تشبیه: مفرد به مفرد مقید - مرسل - مفصل - غیر حسّی به غیر حسّی :

تشبیه آفرینش انسان به آفرینش حیوان؛ اما تشبیه منفی است - (تشبیه جمع)

نامه به فرماندار بصره، عثمان بن حنیف انصاری، که دعوت مهمانی سرمایه دارانی از مردم بصره را پذیرفت در سال ۳۶ هجری. امام در سخنان خود عثمان بن حنیف را به عنوان الگویی برای ساده زیستی و توجه به اطرافیان و زیردستانش معرفی می کند؛ چرا

که فرماندار باید از همه لحاظ به فکر زیردستان و مردم خود باشد. سپس از فلسفه آفرینش می گوید و تصویری تأثیرگذار از خلقت حیوانات را ترسیم، و در آن فرق آفرینش انسان با حیوان را بیان می کند تا مخاطب در اندیشه مقایسه زندگی خویش با سایر موجودات عالم فرو رود و دریابد عنصری در وجود اوست که در وجود دیگران نیست و آن «عقل» است.

نمونه: ح ۲۶۳. صَاحِبُ السُّلْطَانِ كِرَاكِبِ الْأَسَدِ يُعْبَطُ بِمَوْعِدِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَوْضِعِهِ:

«همنشین پادشاه همچون شیر سوار است؛ حسرت سواری او خوردند و خود بهتر داند که در چه کار است.»

نوع تشبیه: مفرد مقید به مفرد مقید - مرسل - حسّی به حسّی

همنشینی با قدرتمندان به رغم مکت و جایگاه بلندی که دارند، خطرهایی را با خود، همراه دارد؛ چرا که هر زمان ممکن است شخص مورد غضب آنان قرار گیرد. این مفهومی است که امام (ع) این گونه از آن یاد می کند: همنشین پادشاه همچون شیر سوار است که بر جایگاه خطیری نشسته است درحالی که دیگران به جایگاه او غبطه می خوردند او خود بهتر می داند که چه موقعیتی دارد و چه خطرهایی ممکن است او را تهدید کند.

این تشبیه در کلام سعدی هم وارد شده است که می گوید:

عمل پادشاه ای برادر دو طرف دارد: امید و بیم؛ یعنی امید نان و بیم جان و خلاف رأی خردمندان باشد بدان امید متعرض این بیم شدن (کلیات، ص ۳۱).

توانایی در بیان جملات کوتاه (موعظه و حکمت)

قدرت امام (ع) در ایجاز و بیان جملات کوتاه و نغز فوق العاده است. علی (ع) به منظور ایجاد انگیزه در شنوندگان خود آهسته آهسته پیش می رود تا بالاخره به آنچه غرض سخن اوست نایل آید. او در سخنانش راهی را در پیش می گیرد که همراه با بیان رسا و تأثیر قوی است.

نمونه: ح ۶۳ - الشَّقِيعُ جَنَاحُ الطَّالِبِ.

«شفاعتگر (میانجی) چون بال است برای درخواست کننده.»

نوع تشبیه: مفرد به مفرد مقید - مجمل - بلغ غیر اضافی - حسّی به حسّی

در میان مفاهیم اخلاقی و اجتماعی، این سخن امام(ع) ناظر به مفهوم شفاعت است ضمن اینکه در فرهنگ اسلامی شفاعت کردن بویژه برای نیازمندان بسیار پسندیده و نیکوست. ایشان در تصویری زیبا و خیال‌انگیز، شفاعتگر را همچون دو بال برای درخواست کننده می‌داند؛ بال نجات برای پرواز از قفس اسارت و رفتن به آسمان کمال و تمامیت انسانی. مسلماً آفریدن این فضای حسّی در ذهن مخاطب، او را با اهمیت آن آشنا می‌سازد.

رشید و طواط در شرح کلمه شفاعت می‌گوید:

چون مردم را در نزد کسی حاجتی افتد و آن حاجت به زبان خویش رفع نتواند کرد، دست در دامن شفیع زند و به عنایت آن شفیع به حاجت خویش رسد؛ چنانکه مرغ به استظهار بال به مطعم و مشرب خویش رسد.

ای که هستی تو طالب حاجت
بیخ‌نومیدی از دلت برکن
تا به مطلوب خود رسی ز ملوک
دست در دامن شفیع زین

(میرزا محمد ، ص ۱۱۸)

نمونه: ح ۵۷- القناعه مال لا ینفد.

«قناعت مالی است که پایان نیابد.»

نوع تشبیه: مفرد به مفرد مقید - بلیغ غیر اضافی - مفصل - عقلی به حسّی

قناعت امری است که نه تنها آرامش درون و عزت روان برای خود آدمی به ارمغان می‌آورد، بلکه دیگران را نیز از مددکاریهای انسان بهره‌مند می‌سازد (سروش، ص ۳۲۰). شخص قانع، که عمرش را در فزونخواهی و لجاجت و مسابقه با دیگران سپری نمی‌کند، سرمایه حیاتش محفوظ تر و سودبخش تر خواهد شد. امام(ع) در تشبیهی موجز و بلیغ از قناعت به سرمایه و مالی تعبیر می‌کند که تمام شدنی نیست؛ از این رو که فرد قانع همیشه از دیگران بی‌نیاز و چشم به رحمت خداوند دوخته است.

انوری در این معنی می‌گوید:

کیمیایی ترا کنم تعلیم
که در اکسیر و در صناعت نیست
رو قناعت‌گزین که در عالم
کیمیایی به از قناعت نیست

(دیوان ، ج ۲ ، ص ۵۷۰)

نمونه: ح ۲۲۶. اَلطَّامِعُ فِي وِثَاقِ اَلذُّلِّ.

«طمعکار در بند خواری گرفتار است.»

تشبیه " ذل " به " وِثَاق "

نوع تشبیه: مفرد به مفرد - مجمل - بلیغ اضافی (اضافه مشبّه به، به مشبّه) - عقلی به حسّی
 طمع ورزیدن یکی از ضدّ ارزشها در زمینه های اخلاقی و اجتماعی به شمار می آید .
 این زیاده خواهی و آرزوی سوی انسان طمع ورز، او را در چشم دیگران خوار و زبون نشان
 می دهد. البته این حرص اگر در راهی مثبت و مفید مثلا کسب علم یا کمک به هموعان
 باشد، راهگشا و باعث بلندی مرتبه اجتماعی می شود. اما اگر در راه کسب مال و ثروت و
 چشم دوختن به داراییهای دیگران باشد، ناپسند و نکوهیده است. امام با ذکر این مفهوم به
 تشبیهی ظریف پرداخته و آن هم «خواری» است که از آن به «بند» تعبیر کرده به این دلیل
 که مانع عزّت و بازدارنده از رشد آدمی است؛ چنانکه رشید الدین و طواط نیز گفته است :

تا توانی مگرد گرد طمع اگر از عقل بهره ای داری

ز آنکه پیوسته مردم طامع بسته باشد به رشته خواری

(از کتاب مطلوب کل طالب به نقل از محمد مهدی جعفری در :

(www.balaghat.ir

میل به زیبایی

انسان به فطرتش اهل زیبایی و زیبایی دوستی و متمایل به هر امر زیباست و هر چه
 فطرت، شکوفا تر باشد، میل به زیبایی در انسان قویتر است. اگر زیر هر نام و به هر بهانه
 با این جنبه از حقیقت وجود آدمی مخالفت، و به سرکوب آن همّت گماشته شود،
 تضاد و تباینی میان انسان و زندگی ایجاد می شود که موجب وارد شدن آسیب جدی
 به شأن و آدمی و روح اجتماعی و اخلاق فردی او می شود. امیر مؤمنان علی (ع) -
 والاترین نمونه تربیت نبوی- همان طور که در همه میدانها پیشوا و پیشتاز است در
 عرصه بیدار کردن میل انسان به زیبایی و تربیت آن نیز پیشوا و پیشتاز است؛ چنانکه
 نهج البلاغه به اعتباری، کتاب زیبایی شناسی است و در آن نمونه هایی بسیار در توجّه
 دادن به زیباییها وجود دارد.

امام علی(ع) همه عوالم و همه موجودات را جلوه‌ها و مظاهر حق معرفی نموده و فرموده است:

« الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُتَجَلَّى لِخَلْقِهِ بِخَلْقِهِ » (خ ۱۰۸)

سپاس خداوند را که به سبب آفرینش خود بر آفریدگانش تجلی کرده و آشکار شده است.

همه موجودات و مخلوقات مظاهر اسما و صفات و جلوه‌گر جمال و جلال و کمال اویند:

به نزد آن که جانش در تجلی است همه عالم کتاب حق تعالی است

عَرَضُ إِعْرَابٍ وَجَوْهَرٍ چُونِ حُرُوفٍ است مراتب همو آیات وقوف است

ازو هر عالمی چون سوره خاص یکی زان فاتحه دیگر چو إخلاص

(شبستری ، ص ۷۰)

در معرفت‌شناسی دینی علی(ع) زیباشناسی تموج دارد و هرسخن او بیانگر جلوه‌ای از جلوه‌های زیبای حق است. دینداری در مدرسه امام علی(ع) جدا از زیبایی‌شناسی و توجه به زیباییهای عالم وجود نیست.

نمونه: ح ۵. إِنَّ الْإِيمَانَ يَبْدُو لَمْظَةً فِي الْقَلْبِ كُلَّمَا أزدَادَ الْإِيمَانُ إِزدَادَتِ اللَّمْظَةُ

(لمظه = نقطه سفید)

«ایمان همچون نقطه‌ای سفید در دل پدید می‌گردد؛ هر چه ایمان بيفزاید، نقطه پدیدارتر آید.»

نوع تشبیه: مفرد به مفرد مقید- مجمل- بلیغ غیر اضافی- عقلی به حسی

اعتقاد و ایمان به خداوند در همه وجود انسان آرامشی فراگیر حاکم می‌سازد؛ زیرا او از رهگذر ایمان به خداوند، هر گاه به مصیبتی گرفتار آید، یاد خدا او را از سختی آن برهاند و اگر به جاه و مکنتی برسد از راه صواب و حق خارج نگردد. امام(ع) نیز در این عبارت به اهمیت ایمان اشاره می‌کند و در بیانی حسی آن را همچون نقطه‌ای می‌داند در قلب آدمی که هر گاه ایمان از مرحله قلبی به لسان و بعد به رفتار، ظاهر گردد و همه پندار و کردار شخص مؤمن ایمانی شود، دایره نقطه ایمان گسترده‌تر و بدین ترتیب ایمان انسان کاملتر می‌شود.

این شعر فارسی نیز ناظر به همین مضمون است که:

رخسار سیه کجا و گلچهره ماه هرگز عمل نکونماند به گناه
روشن چون سپیده دل زایمان آید ورنه به خدا دل از نفاق است سیاه

(شبستری، ص ۳۵)

نمونه: ح ۱۳۱. إِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ صِدْقٍ لِمَنْ صَدَقَهَا... مَسْجِدٌ أَحِبَّاءِ اللَّهِ وَ مُصَلَّى مَلَائِكَةِ اللَّهِ وَ مَهْبِطٌ وَحَى اللَّهِ وَ مَتَجَرُّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ.

«دنيا خانه راستی است برای کسی که آن را راستگو انگاشت، ... مسجد محبان خداست و نمازگاه فرشتگان او، و فرود آمد نگاه وحی خدا و تجارت جای دوستان او.»
نوع تشبیه: مفرد مقید به مفرد مقید - مجمل - بلیغ غیر اضافی - حسّی به حسّی - (تشبیه جمع)

از دنیا به خانه راستی تعبیر شده است از این رو که اگر در آن راستی و درستی را پیش گیری، جز آن از آن نخواهی دید؛ هم چنین مسجد دوستان خدا تعبیر شده است؛ از این رو که مؤمنان در آن برای نزدیکی به خداوند به عبادت و پرهیزگاری می پردازند و به نمازگاه فرشتگان، محلّ فرود آمدن وحی خداوند و هم چنین به محلّ تجارت و عبادت دوستان خداوند، تعبیر شده است.

امام همه این تعابیر را در توییح به کسی می گوید که در نکوهش دنیا سخن می گفت. جهان بینی امام (ع) در مورد دنیا بسیار عمیق و دقیق است. او زندگی دنیوی را نعمت الهی می داند و از این رو به مخاطب خود می آموزد که دنیا سرای فانی است و خانه ای است برای گذشتن از آن و رسیدن به سرای باقی. مؤمن کسی است که بهترین زاد و توشه را با خود از این خانه به آن خانه همراه ببرد.

ارزشها

در درون هر نظام فکری و اجتماعی، مقوله فرهنگ، نقطه مرکزی و ستون خیمه ای است که آسمان اندیشه بر روی آن افراشته شده است. فرهنگ در این معنا، مجموعه ای گوناگون از نگرشها و رفتارهایی است که جامعه را به سوی بهروزی هدایت می کند؛ حد و مرزها را روشن می نماید و نهایتاً نوعی از زندگی فردی و اجتماعی را برای همه معتقدان و رهروان آن پدید می آورد تا با الگو گرفتن از آن به جامعه آرمانی دسترسی یابند که آن نظام ترسیم کرده است. فراخای فرهنگ گاه چنان است که با اصل آن نظام فکری

برابری می‌کند و بر آن منطبق می‌شود. لذا هر آنچه در هر نظام فکری یا عقیدتی می‌توان جستجو کرد در فرهنگ آن تجلی می‌یابد. با چنین رویکردی به فرهنگ و تناسب آن با اصول و قوانین اصلی و اساسی به سراغ مقوله فرهنگ از نظر امام علی (ع) می‌رویم تا از دریچه نگاه او، که پرورده دامن همین فرهنگ پر بار و هدایت بخش است به مطالعه آن بپردازیم و الگویی را که آن حضرت برایمان به تصویر کشانده است الگویمان قرار دهیم (شکوهیان، ص ۱۴۱).

نمونه: ح ۱۱۳. لَا مَالَ أَعُوذُ مِنَ الْعَقْلِ، وَلَا وَحْدَةَ أَوْحَشُ مِنَ الْعُجْبِ، وَلَا عَقْلَ كَالْتُدْبِيرِ وَلَا لَأَكْرَمَ كَالْتَقْوَى، وَلَا قَرِينَ كَحُسْنِ الْخُلُقِ. وَلَا مِيرَاثَ كَالآدَابِ، وَلَا قَائِدًا كَالْتَوْفِيقِ، وَلَا تِجَارَةً كَالْعَمَلِ الصَّالِحِ، وَلَا رِيحَ كَالثَّوَابِ، وَلَا وَرَعَ كَالْوُقُوفِ عِنْدَ الشُّبْهَةِ، وَلَا زُهْدًا كَالزُّهْدِ فِي الْحَرَامِ، وَلَا عِلْمَ كَالْتَفْكَرِ، وَلَا عِبَادَةَ كَأَدَاءِ الْفَرَائِضِ، وَلَا إِيمَانَ كَالْحَيَاءِ وَالصَّبْرِ، وَلَا حَسَبَ كَالْتَوَاضُعِ، وَلَا شَرَفَ كَالْعِلْمِ وَلَا عِزًّا كَالْحِلْمِ.

«هیچ مالی از خرد سودمند تر نیست و هیچ تنهایی ترس آور تر از عجب نیست و هیچ خرد چون تدبیر اندیشیدن و هیچ بزرگواری چون پرهیزگاری و هیچ همنشینی چون خوی نیکو و هیچ میراثی چون فرهیختگی و هیچ راهبری چون با عنایت خدا همراه بودن و هیچ سوداگری چون کردار نیک و ورزیدن و هیچ سود چون ثواب اندوختن و هیچ پارسایی چون باز ایستادن هنگام ندانستن احکام و هیچ زهدی چون نخواستن حرام و هیچ دانشی چون به تفکر پرداختن و هیچ عبادتی چون واجبها را ادا ساختن و هیچ ایمانی چون آزر و شکیبایی و هیچ حسب چون فروتنی و هیچ شرفی چون دانایی و هیچ عزتی چون بردبار بودن نیست.»

هیچ دارایی سودمندتر از خرد نیست. مفهوم این عبارت این است که عقل نوعی از دارایی است که داراییهای دیگر از آن سودمند تر نیست. از این رو یک تشبیه در درون خود دارد که می‌توان گفت تشبیه ضمنی است. خلاصه آن این است که «العقلُ کالْمَالِ». در این بند از کلام امام با عناصری از فضیلت و فرهنگ متعالی آشنا می‌شویم که در زیر ساخت هر زندگی فردی و اجتماعی نقش بسیار عمیق و مهمی دارد؛ عناصری مانند عقل، تدبیر، تقوی، کرامت، نیک‌خویی، ادب، توفیق، عمل صالح، اندیشیدن، عبادت، شرم و

صبر، فروتنی و بردباری. تعابیر امام (ع) در قالب تشبیهاتی سلبی (منفی)، فهم معنا را برای شنوده ساده تر و روشن تر می سازد.

نتیجه

نهج البلاغه، که مجموعه ای از سخنان حضرت علی (ع) و حاوی بیانات بلیغ و آموزنده آن بزرگوار است، نشانی سترگ از قدرت کلام و عظمت بیان و فصاحت زبان اوست. تشبیه، که از ارکان عمده علم بیان در بلاغت است در جایگاهی شایسته و بسیار مؤثر در سراسر نهج البلاغه با ساختی از عناصر بکر و نو و بسیار رسا و گویا بر زبان آن حضرت جاری شده و هرگز تشبیهات او در مسیر بیان معانی و القای مقصود به سستی نگراییده یا به دور از انطباق و هماهنگی نشده است. بسامد فراوان تشبیه بلیغ، که از عالیترین مراتب تأثیر گذاری تشبیه است، گویای نگاه زیبایی شناسی آن حضرت به امور پیرامون و پدیده هاست. این نشان خود بیانی است از توانایی امام (ع) در آفرینش سخن نغز و کلام فصیح و بلیغ با رنگ هنری. همین ویژگیهای ادبی- هنری است به اضافه الهام گیری از کلام وحی و معنی شناسی دقیق و عمیق در بیان مسائل و موضوعات که سخن او را در عالیترین سطح کلام بشری قرار داده و هرگز تا کنون هموردی نداشته است.

دنیای خیال امام آن قدر گسترده است که در تو صیف پدیده ها و امور مختلف هرگز دچار تنگای لفظ نشده و در گزینش واژگان و به کارگیری عناصر نزدیک به معنی و گویا، گرفتار سستی و نادرستی نشده و بی آنکه به لغزشی در افتد، تأثیر گذارترین و گویا ترین تشبیهات را ارائه کرده است.

یادداشت ها

۱- الاحتمال: شکیبایی-: إْحْتَمَلُ الْمَكْرُوهَ: بر آن ناشایست شکیبایی کرد (فرهنگ لاروس/ص ۶۴)

۲- خِباء: چادر، خیمه (فرهنگ لاروس/ص ۸۸۷)

*۳- در ترجمه ها از نهج البلاغه ترجمه دکتر شهیدی استفاده شده است.

۴- هجر: یکی از شهرهای قدیمی «بحرین» است که درختان خرماي فراوان داشت. خرما به هجر بردن ضرب المثلی عربی است (لسان العرب، ذیل هجر). این عبارت یادآور ضرب المثل فارسی «زیره به کرمان بردن» است؛ کنایه از کار بیهوده کردن.

۵- مسلده: ابزار نشانه گیری، نشانه گیر (فرهنگ معاصر عربی- فارسی، ذیل سَدَّ (ص ۲۸۲))

۶- لَعَقَهُ: یک بار لیسیدن (فرهنگ لاروس/ص ۱۷۷۴) لَعَقَهُ لَاعِقٌ: لیسیدن کسی کاسه را.

۷- نضال: مسابقه، نبرد

۸- مرجع ضمیر محمد بن ابی بکر یکی از کارگزاران امام (ع) است.

۹- در معنای اصطربلاب گفته اند:

به یونانی استر ترازو بود که در سکه عدل ساز او بود

اگر معنی ام باز پرسی زلاب بود هم به گفتار روم آفتاب

پس آن کو مراد از سطرلاب جُست ترازوی خورشید باشد درست

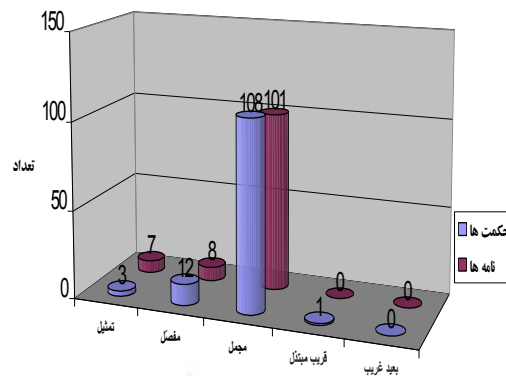
۱۰- یعنی فکر همچون ترازوی خورشید- چنان آشکارکننده- است که از مجهولات ذهن آدمی پرده می‌گشاید

به نقل از: عبدالمجید، زهادت، تعلیم و تربیت در نهج البلاغه، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۲۲.



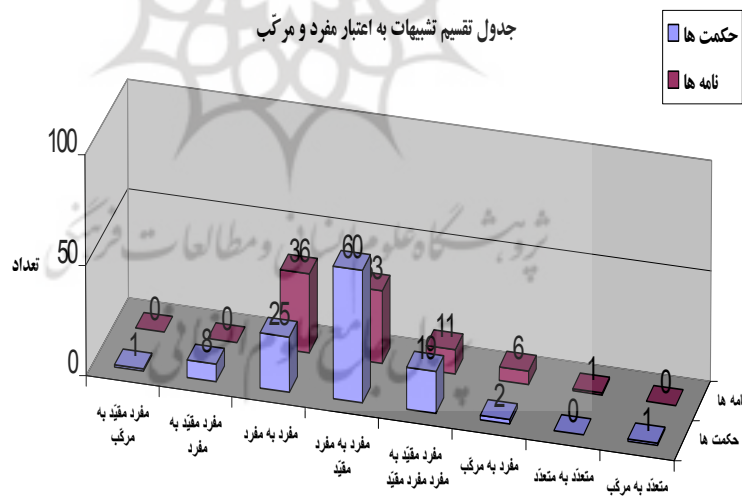
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول تقسیم تشبیهات با در نظر گرفتن وجه شبه



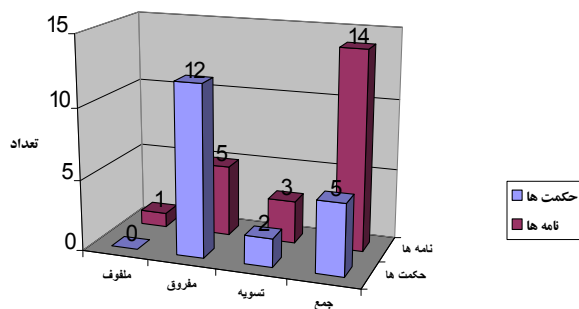
	تشبیل	مفصل	مجهل	قریب مبتدل	بجید غریب
حکمت ها	۳	۱۲	۱۰۸	۱	۰
نابه ها	۷	۸	۱۰۱	۰	۰

جدول تقسیم تشبیهات به اعتبار مفرد و مرکب



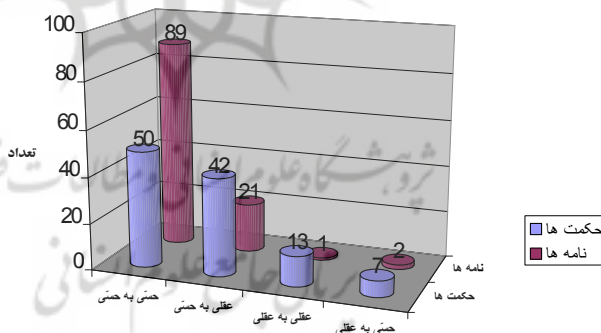
	مفرد مقید به مرکب	مفرد مقید به مفرد	مفرد به مفرد	مفرد به مفرد مقید	مفرد مقید به مفرد مقید	مفرد به مرکب	مفرد به متعدد	متعدد به مرکب
حکمت ها	۱	۸	۲۵	۶۰	۱۹	۲	۰	۱
نابه ها	۰	۰	۳۶	۳	۱۱	۶	۱	۰

جدول تقسیم تشبیهات به اعتبار تعدد طرفین



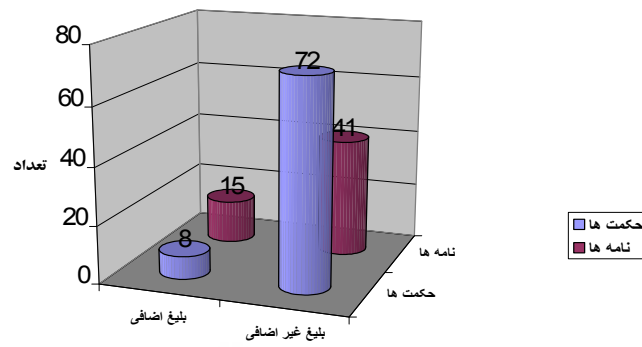
	مفوف	مفروق	تسویه	جمع
حکمت ها	۰	۱۲	۲	۵
نامه ها	۱	۵	۳	۱۴

جدول تقسیم تشبیهات به اعتبار طرفین تشبیه به حسی و عقلی



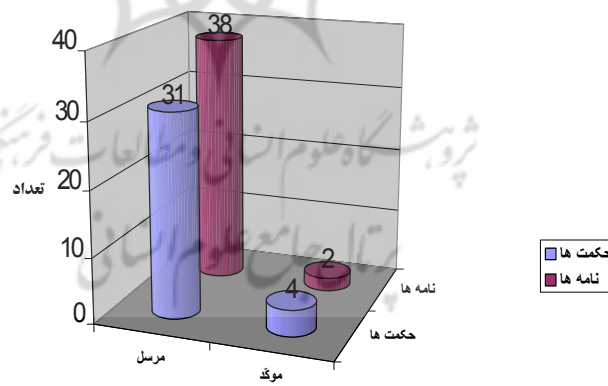
	حسی به حسی	عقلی به حسی	عقلی به عقلی	حسی به عقلی
حکمت ها	۵۰	۴۲	۱۳	۷
نامه ها	۸۹	۲۱	۱	۲

جدول تقسیم تشبیه بلیغ



	بلیغ اضافی	بلیغ غیر اضافی
حکمت ها	۸	۷۲
نامه ها	۱۵	۴۱

جدول تقسیم تشبیهات با در نظر گرفتن آداب آن



	موسل	موکد
حکمت ها	۳۱	۴
نامه ها	۳۸	۲

فهرست منابع

- ۱- آذر نوش، آذرتاش. (۱۳۸۳). **فرهنگ معاصر عربی- فارسی**. ج چهارم. تهران: نشر نی.
- ۲- ابن ابی الحدید. (۱۳۸۶). **شرح نهج البلاغه**. ج ۱۸. چ دوم. بیروت: دار احیاء الکتب.
- ۳- الهامی، داوود. (۱۳۷۹). **دنیای نهج البلاغه**. قم: انتشارات مکتب اسلام.
- ۴- محمد تقی مدرس رضوی. (۱۳۷۲). **انوری، دیوان انوری**. چ چهارم. ج ۲. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۵- پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۶۷). **ترجمه نهج الفصاحه**. چ دوم. تهران: انتشارات جاویدان.
- ۶- جرّ، خلیل. (۱۳۸۰). **فرهنگ لاروس**. ترجمه سیدحمید طیبیان. چ یازدهم. تهران: امیرکبیر.
- ۷- جرداق، جرج. (۱۳۵۵). **بخشی از زیبایی‌های نهج البلاغه**. ترجمه محمدرضا انصاری. تهران: کانون انتشارات محمدی.
- ۸- جعفری، محمد مهدی. **تأثیر نهج البلاغه بر ادب فارسی**: www.balaghat.ir
- ۹- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۰). **امثال و حکم**. ج ۲. چ هفتم. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- ۱۰- زهادت، عبدالمجید. (۱۳۷۸). **تعلیم و تربیت در نهج البلاغه**. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۱۱- سروش، عبدالکریم. (۱۳۷۸). **اوصاف پارسایان**. چ ششم. تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
- ۱۲- تصحیح محمد علی فروغی سعدی. (۱۳۵۴). **کلیات سعدی** (گلستان، بوستان، غزلیات، مواظ، ...). با مقدمه علی زرین قلم. تهران: کتابفروشی فروغی.
- ۱۳- شبستری، سعدالدین محمد بن عبدالکریم. (۱۳۶۱). **گلشن راز**. به اهتمام صابر کرمانی. انتشارات ظهوری.
- ۱۴- شکوهیان، حسن. (۱۳۷۹). **میراث خورشید** (دیداری باندیشه‌های فرهنگی امام علی علیه السلام). نیشابور: نشر شادیاخ.
- ۱۵- شهیدی، سید جعفر. (۱۳۷۸). **ترجمه نهج البلاغه**. چ پانزدهم. تهران.
- ۱۶- میرزا محمد، علی رضا. (۱۳۸۰). **در بارگاه آفتاب**. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۱۷- با حواشی و تصحیح و مقابله وحید دستگردی نظامی گنجوی. (۱۳۱۳). خسرو شیرین.
تهران: موسسه مطبوعاتی علمی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی